

دییایچه‌ای بر

جایگاه ادبیات کودک و نوجوان

در قابوس نامه

○ روح‌الله مهدی‌پور عمرانی

و پا در هوا به شمار نمی‌رود، بلکه متعلق به خاستگاهی از لایه‌های اجتماعی است. بنابراین، بررسی و بازجست چند و چون آن، در حوزه دانش جامعه‌شناسی جای می‌گیرد. بنابر مطالعات مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی، کودک و نوجوان در گذشته، به مثابه یک عنصر اجتماعی و جمعیتی، فاقد امتیازات حقوقی بوده است.

کودک را به مثابه یک شخص حقیقی به شمار آوردن و برای او حقوق فردی و اجتماعی قایل شدن، از نشانه‌های حقوق مدنی در عصر جدید است.

بنابراین، یکی از راه‌های شناخت جامعه و مردم و همچنین مطالعه ساز و کار اجتماعی و فرهنگی جامعه در سده‌های گذشته، بررسی جایگاه اجتماعی و حقوقی کودکان و نوجوانان است. این بررسی، تنها از زاویه متون حقوقی امکان‌پذیر نخواهد بود؛ چرا که این‌گونه متن‌ها، همواره در این باره سکوت اختیار کرده‌اند و یا قلت مطالب به اندازه‌ای است که پژوهشگر از آن در خواهد گذشت. در متون ادبی، این مطالعات را نیز می‌توان به انجام رساند.

تاکنون برخی از نویسندگان و پژوهشگران، جایگاه ادبیات کودک و نوجوان را در متونی مانند بوستان بررسی کرده‌اند. در این نوشتار، سیمای کودک و نوجوان در کتاب «قابوس‌نامه» نشان داده خواهد شد.

قابوس‌نامه در سده پنجم، به قلم یکی از شاهان خاندان زیار، به زبان فارسی نوشته شده است. عنصرالمعالی کی‌کاووس، پسر اسکندر پسر قابوس، فرمانروای گرگان و خراسان، آن‌چه را که پسرش - گیلان شاه - می‌بایست بداند، در قالب روایت و حکایت و با لحنی اندرزگویانه و نصیحت‌گرانه، در چهل و چهار باب (فصل) نوشته است.

پیش از ورود به بحث اصلی، ناگزیر باید دو نکته را روشن کنیم:

۱- روش تحقیق برای نوشتن این مقاله چیست؟ برای نوشتن این مقاله و پشتوانه نظری بحث، از روش کتابخانه‌ای - تحلیلی استفاده شده است.

برای روشمندی بحث، از فصل‌بندی و نمودارها و جداول بهره گرفته شد. این شیوه، مقاله را از متنی صرفاً روایی می‌رساند.

۲- هدف از نوشتن این مقاله چیست؟

معمولاً مقالاتی که درباره کتاب‌ها نوشته می‌شود - در درجه اول - بازخوانی متن را در نظر دارند. معرفی کتاب‌ها و داشتن نگاهی انتقادی، هدف‌های دیگری است که نویسنده مقاله را به خود مشغول کرده است.

نشان دادن متن‌های ادبی گذشته ایران و روشن کردن جایگاه ادبیات کودک و نوجوان، برای استفاده مربیان و نویسندگان کودک و نوجوان، از هدف‌های اصلی این مقاله به شمار می‌رود.

آن‌چه به عنوان «دییایچه‌ای بر جایگاه ادبیات کودک و نوجوان در قابوس‌نامه» در پی می‌آید، همه مطالبی نیست که درباره قابوس‌نامه باید گفته شود.

جست‌وجوی ادبیات کودک و نوجوان و یا ردیابی نقش و نمود کودکان و نوجوانان، در متون و کتاب‌های سده‌های گذشته ایران، تنها یک پژوهش ادبی نیست. این‌گونه جستارها، به علت موضوعیتی که دارند، جنبه جامعه‌شناختی نیز پیدا می‌کنند. تحلیل شخصیت‌های داستانی و مخاطب‌شناسی در متون ادبی - خواه متن‌های کهنه و خواه متن‌های نو - ناگزیر از گذرگاه دانش جامعه‌شناسی عبور می‌کند. زیرا مخاطب، مفهومی معلق

نویسنده در پیش‌گفتار کتاب می‌نویسد:

«پس ای پسر! چون من نام خویش را در دایره گذشتگان یافتم، روی چنان دیدم که پیش از آن که نامه عزل به من رسد، نامه‌ای دیگر در نکوهش روزگار و سازش کار و بیش بهرگی جستن از نیک نامی یاد کنم و تو را از آن بهره کنم بر موجب مهر خویش.»^۱

مؤلف پس از شأن نزول و علت نوشتن کتاب، فایده به کار بستن پندهای کتاب را این‌گونه برشمرد:

«... اگر تو از گفتار من، بهره نیکی نجویی، جویندگان دیگر باشند که شنودن و کار بستن نیکی، غنیمت دارند...»^۲
نکته جالب در پیش‌گفتار قابوس‌نامه، نگاه علمی و روان‌شناختی مؤلف است که نقش اندرز را به روشنی و امروزی، بیان می‌کند:

«اگر چه سرشت روزگار بر آن است که هیچ پسر، پند پدر خویش را کار بند نباشد. چه آتش در دل جوانان است از روی غفلت پنداشت خویش ایشان را بر آن نهد که دانش خویش بدتر از دانش پیران ببیند...»^۳

مؤلف قابوس‌نامه که پادشاه است و از پادشاهان - معمولاً - این رفتارها کم‌تر سر می‌زند، در عبارتی وصیت‌گونه می‌نویسد: «و بدان ای پسر! که سرشت مردم چنان آمد که تکاپوی کند تا از دنیا آن چه نصیب او آمده باشد به گرمی‌تر کس خویش بماند و نصیب من از دنیا، این سخن گفتن آمد و گرمی‌تر کس بر من، تویی. چون ساز رحیل کردم، آن چه نصیب من بود، پیش تو فرستادم تا خودکامه نباشی و پرهیز کنی از ناشایست...»^۴
از متن پیش‌گفتار قابوس‌نامه، نکته‌های زیر به دست می‌آید:

۱- برخلاف بسیاری از مردم و شاهان، عنصرالمعالی کیکاووس، میراثی فرهنگی و معنوی از خود برای فرزندش بر جای می‌گذارد.

۲- عنصرالمعالی، اصول تربیتی خود را در قالب سندی کتبی، در اختیار فرزند خود و دیگران می‌گذارد.

۳- عنصرالمعالی، از دانش‌های متعارف زمانه خود بهره داشته است.

۴- با آن که مطالب کتاب و اصول تربیتی و پرورشی عنصرالمعالی در قالب حکایت‌ها و لطیفه‌ها و داستان‌ها نوشته شده، لحن اصلی و سوبمندی آشکار مؤلف مبتنی بر پند و اندرز است؛ چنان که در آغاز کتاب آمده است:

«کتاب پندنامه امیرکبیر مُلک جیلان سلطان امراء الخوراسان العالم الفاضل الحکیم عنصرالمعالی...»^۵

۵- عنصرالمعالی می‌داند (هشتصد سال پیش) که پند و اندرز مستقیم، تأثیر چندانی ندارد. این آموزه، امروزه یکی از یافته‌های دانش روان‌شناسی به شمار می‌آید. مؤلف با دانستن این نکته، در جای جای متن کتاب، از حکایت‌ها و داستان‌ها استفاده می‌کند.

به جز مقدمه، باب‌ها (فصل‌ها)ی کتاب عبارتند از:

باب اول: در شناختن ایزد تعالی

باب دوم: در آفرینش و ستایش پیغامبر(ع)

باب سوم: در سیاس داشتن از خداوند نعمت

باب چهارم: در فزونی طاعت از راه توانش

باب پنجم: در شناختن حق مادر و پدر

باب ششم: در فزونی گهر از افزونی خرد و هنر

باب هفتم: در پیشی جستن از سخن دانی

باب هشتم: در یاد کردن پندهای نوشین روان

باب نهم: در پیری و جوانی

باب دهم: در خویشتن‌داری و ترتیب خوردن و آیین آن

باب یازدهم: در آیین شراب خوردن

باب دوازدهم: در مهمان کردن و مهمان شدن

باب سیزدهم: اندر مزاح کردن و نرد و شطرنج باختن

باب چهاردهم: در عشق ورزیدن

باب پانزدهم: ندارد*

باب شانزدهم: اندر گرمابه رفتن

باب هفدهم: اندر خفتن و آسودن

باب هجدهم: اندر نخجیر کردن

باب نوزدهم: در چوگان زدن

باب بیستم: اندر کارزارکردن

باب بیست و یکم: در جمع کردن مال

باب بیست و دوم: در امانت نگاه داشتن*

باب بیست و چهارم: در خریدن ضیاع و عقار

باب بیست و ششم: اندر آیین زن خواستن*

باب بیست و هفتم: در حق فرزند و حق شناختن

باب بیست و هشتم: در آیین دوست گرفتن

باب بیست و نهم: در اندیشه کردن از دشمن

باب سی‌ام: در عقوبت کردن و حاجت خواستن و روا کردن

باب سی و یکم: در طالب علمی و فقیهی و فقها

باب سی و دوم: در بازرگانی کردن

باب سی و سوم: اندر ترتیب علم طب

باب سی و چهارم: در علم نجوم

باب سی و پنجم: در آیین و رسم شاعری

باب سی و ششم: در آیین و رسم خنیاگری

باب سی و هفتم: در خدمت کردن پادشاه

باب سی و هشتم: در آداب ندیمی پادشاه

باب سی و نهم: در آداب و آیین دبیری و شرط کاتب

باب چهارم: در آیین و شرط وزارت

باب چهل و یکم: در آیین و شرط سپهسالاری

باب چهل و دوم: در آیین و شرط پادشاهی

باب چهل و سوم: در آیین دهقانی و هر پیشه‌ای که دانی

باب چهل و چهارم: در آیین جوانمرد پیشگی

* سه باب «پانزدهم» و «بیست و سوم» و «بیست و پنجم»،

بنا به دلایل نامعلوم، در «منتخب قابوس‌نامه» که مبنای این پژوهش به شمار می‌رود، نیامده است.

هدف این نوشتار این است که نشان دهیم:

الف - سهم ادبیات داستانی در متن قابوس‌نامه چقدر است؟

ب - سهم کودکان و نوجوانان در حکایت‌ها و

داستانواره‌های کتاب چقدر است؟

برای نشان دادن سهم ادبیات داستانی، در کتاب

قابوس‌نامه، نمودار زیر ما را از هرگونه توضیح و توصیف روایی،

بی‌نیاز می‌کند. در این نمودار، از باب‌ها و فصل‌هایی یاد می‌شود

که دارای حکایت هستند.

نمودار شماره یک - سهم ادبیات داستانی در قابوس نامه

ردیف	نام باب (فصل)	شماره‌ی باب	تعداد حکایت
۱	در فزونی طاعت از راه توانش	چهارم	۱
۲	در فزونی گهر از فزونی خرد و هنر	ششم	۴
۳	در پیشی جستن از سخن دانی	هفتم	۴
۴	در پیری و جوانی	نهم	۳
۵	در خویشتن‌داری و ترتیب خوردن	دهم	۱
۶	در مهمان کردن و مهمان شدن	دوازدهم	۲
۷	در چوگان زدن	نوزدهم	۱
۸	اندر کارزار کردن	بیستم	۱
۹	در حق فرزند و حق شناختن	بیست و هفتم	۲
۱۰	در اندیشه کردن از دشمن	بیست و نهم	۳
۱۱	در طالب علمی و فقیهی فقها	سی و یکم	۱
۱۲	در بازرگانی کردن	سی و دوم	۲
۱۳	در خدمت کردن پادشاه	سی و هفتم	۱
۱۴	در آداب ندیمی پادشاه	سی و هشتم	۱
۱۵	در آیین دبیری و شرط کاتب	سی و نهم	۴
۱۶	در آیین و شرط وزارت	چهل	۳
۱۷	در آیین و شرط پادشاهی	چهل و دوم	۲
۱۸	در آیین جوانمردپیشگی	چهل و چهارم	۳
۱۹	جمع	—	۳۹

که در این متن کوتاه وجود دارد، عبارتند از:

- ۱- رویداد
- ۲- راوی چند لایه. در این متن - دست کم - سه‌گونه راوی حضور دارند:
 - آ - راوی غایب که در آغازیه «چنان که شنودم»، مستتر است.
 - ب - راوی اول شخص که روایتگر داستان (حکایت - مقامه) است.
 - پ - دو کودک و مریدان.
 - ۳- دیالوگ
 - ۴- شبکه استدلالی و جنبه‌های تعلیلی
 - ۵ - درگیری (جدال) که از نوع انسانی است، ولی در سرشت خود، جدال دوگونه جامعه و نوع زیست و خاستگاه طبقاتی را پنهان کرده است. آغاز متن، غیرداستانی و پایان آن نیز مداخله‌گرانه و جانبدارانه است. با فضاسازی دقیق‌تر و آغازی تصویری و پایان‌بندی منطقی، می‌توان جنبه‌های داستانی این متن حکایت - مقامه را افزایش داد.

همان‌گونه که از نمودارها و جدول‌ها برمی‌آید، سهم حکایت‌ها و داستانه‌ها و در یک کلام، سهم ادبیات داستانی و شواهد روایی در قابوس‌نامه، باتوجه به حجم متن، سهم زیادی نیست. ولی نویسنده برای تقویت و احتجاج گفته‌ها و

حکایت‌شلی، از حکایت‌های ماندنی و خواندنی برای کودکان و نوجوانان است که درونه‌های اندرزی و مخاطبانی عام نیز دارد. اینک تمامی این حکایت را نقل می‌کنیم:

چنان که شنیدم که شیخ‌الشیوخ شبلی، رحمة‌الله در مسجدی رفت که دو رکعت نماز کند و زمانی بیاساید. اندر آن مسجد، کودکان به کتاب بودند و وقت نان خوردن کودکان بود. نان همی خوردند. به اتفاق، دو کودک نزدیک شبلی رحمة‌الله نشسته بودند: یکی پسر منعمی بود و دیگر پسر درویشی. و در زنبیل این پسر منعم، مگر پاره‌ای حلوا بود و در زنبیل این پسر درویش، نان خشک بود. پاره‌ای این پسر منعم حلوا همی خورد و این پسرک درویش از او همی خواست. آن کودک این را همی گفت که اگر خواهی که پاره‌ای به تو دهم، تو سگ من باش و او گفتی: من سگ توام. پسر منعم گفت: پس بانگ سگ کن. آن بیچاره بانگ سگ بکردی وی پاره‌ای حلوا بدو دادی. باز دیگر باره بانگ دیگر بکردی و پاره‌ای دیگر بستدی. هم‌چنین، بانگ همی کرد و حلوا همی ستد. شبلی در ایشان همی نگریست و می‌گریست. مریدان پرسیدند که: ای شیخ چه رسیدت که گریان شدی؟ گفت: نگه کنید که قانعی و طامعی به مردم چه رساند! اگر چنان بودی که آن کودک بدان نان تهی قناعت کردی و طمع از حلوای او برداشتی، وی را سگ هم‌چون خویشنتی نیابستی بود.

حکایت‌شلی، نشانه‌های داستان را دارد. عناصر داستانی

نمودار شماره دو - سهم حکایت‌های مناسب برای کودک و نوجوان در قابوس‌نامه

ردیف	نام باب (فصل)	تعداد حکایت کودکانه	گزاره آغازش حکایت
۱	در فزونی گوهر از فزونی خرد و هنر	۱	چنین شنودم که بدان روزگار که متوکل خلیفه بود به بغداد، وی را بنده‌ای بود فتح نام. سخت نجیب و روزبه بود. و همه هنرها و ادب‌ها آموخته بود و متوکل، وی را به فرزندی پذیرفته بود و از فرزند عزیزتر داشتی...
۲	در حق فرزند و حق شناختن	۱	چنان که گستاخ چون از مستقر خویش بیفتاد و آن قصه دراز است، اما مقصود این است که وی به روم افتاد. در قسطنطنیه رفت. با وی هیچ چیز نبود از دنیاوی و عیب می‌داشت نان خواستن. مگر اتفاق چنان افتاده بود که به کودکی در سرای پدر خویش، آهنگران دیده بود که کاردها و تیغ‌ها و رکاب‌ها و دهانه‌ها کردند
۳	در آیین جوانمرد پیشگی	۱	چنان که شنودم که شیخ‌الشیوخ شبلی، رحمه‌الله در مسجدی رفت که دو رکعت نماز کند و زمانی بیاساید. اندر آن مسجد، کودکان به کتاب بودند و وقت نان خوردن کودکان بود.
۴	جمع	۳	-

تربیتی و پرورشی برای فرزند خود، دغدغه‌ها و دلخواسته‌های خود را برای همه افراد - اعم از کودک و پیر و جوان - به رشته تحریر درآورده است. حتی در جایی که دو کودک را هنگام غذا خوردن در کنار یکدیگر قرار می‌دهد تا از رفتار آن دو، سرانجام آزمندی و زیاده‌خواهی را نشان بدهد، به درستی روشن نیست که روی سخنش فقط با کودکان و نوجوانان باشد. پرسشی که به ذهن می‌آید، این است که امیر عنصرالمعالی کیکاووس زبیری، با چه زمینه ذهنی و عینی، به نوشتن این «پندنامه» پرداخته است؟ نخست زمینه‌های ذهنی است. امیر عنصرالمعالی کیکاووس زبیری، در خانواده‌ای فرهنگی و دانش‌پرور، رشد کرده و دغدغه آموزشی و پرورشی داشته. بنابراین، می‌بایستی به این نیاز درونی پاسخ می‌داده است. مؤلف، بر این باور بوده که باید دانستی‌های گوناگون در اختیار فرزندان قرار گیرد. نهادهای آموزشی و تربیتی، رسالت دارند این کار مهم را انجام دهند. خانواده (پدر و مادر) در درجه نخست این انجام وظیفه، جای دارند. در روزگار عنصرالمعالی کیکاووس، رسم بر آن بوده که فرزندان طبقات دارا و تنگدست، حرفه‌ها و پیشه‌های گوناگون را یاد بگیرند. هرچند که ممکن است به همه آن کارها و شغل‌ها و آموزش‌ها، نیاز مستقیم نداشته باشند. در باب بیست و هفتم، از زبان مؤلف قابوس‌نامه می‌خوانیم: «فرزندان مردمان خاصه را به از هنر و ادب و فرهنگ نیست و فرزندان عامه را

اندرزهایش، ناگزیر از بیان بعضی حکایت‌های معروف است که در کتاب‌ها خوانده و یا از زبان دیگران شنیده است. امروزه که تأثیر مثبت اندرز و اصول و مبانی تربیتی مبتنی بر نصیحت‌های پدرا نه و مادرانه با مشکلات اساسی مواجه شده، ارزش این حکایت‌ها و بیان تمثیلی و غیرمستقیم، به خوبی روشن می‌شود. با این همه، مؤلف به علت نگرش و پرورش ذهنی خود، هنوز چندان به ذهن خلاق و بارور فرزند خود، اعتقاد و اعتماد ندارد. بنابراین، پیش و پس از نقل حکایت به نتیجه‌گیری نیز می‌رسد. این کار، مخاطب کودک و نوجوان را از فعالیت‌های ذهنی دور می‌کند. امروزه بیشتر داستان‌نویسان، می‌کوشند از بیان و نتیجه‌گیری و حتی پیام مستقیم در متن داستان دوری کنند. نکته قابل توجه دیگر که در رویکرد مؤلف قابوس‌نامه دیده می‌شود، رویکرد مردسالاری است. عنصرالمعالی کیکاووس، این مقام‌ها را برای فرزندش (پسرش) نوشته است. در جای جای کتاب، ترکیب خطابی «ای پسر» به کار رفته است. حتی در نام‌گذاری مطالب کتاب نیز فصلی به عنوان «اندر آیین زن خواستن» وجود دارد. این رویکرد جنسیتی، رویکردی غالب به شمار می‌رفته، در تمامی متون گذشته دیده می‌شود. در سراسر متون ادبی ایران در سده‌های گذشته - اعم از شعر یا نثر - رفتار مردانه به چشم می‌خورد. نکته دیگر در مخاطب‌شناسی قابوس‌نامه، «عامیت» آن است. مؤلف - گویا - به بهانه تهیه دستورالعمل و روش‌نامه

نمودار شماره سه - سهم حکایت‌های نامناسب و قابل بازنویسی در قابوس‌نامه

ردیف	نام باب (فصل)	شماره باب	حکایت‌های نامناسب*	حکایت‌های قابل بازنویسی
۱	در فزونی طاعت از راه توانش	چهارم	-	۱
۲	در فزونی گهر از فزونی خرد و هنر	ششم	-	۳
۳	در پیشی جستن از سخن دانی	هفتم	۲	۲
۴	در پیری و جوانی	نهم	-	۳
۵	در خویشتن‌داری و ترتیب خوردن	دهم	-	۱
۶	در مهمان کردن و مهمان شدن	دوازدهم	۲	-
۷	در چوگان زدن	نوزدهم	-	۱
۸	اندر کارزار کردن	بیستم	۱	-
۹	در حق فرزند و حق شناختن	یست و هفتم	۱	-
۱۰	در اندیشه کردن از دشمن	بیست و نهم	۱	۲
۱۱	در طالب علمی و فقیهی فقها	سی و یکم	-	۱
۱۲	در بازرگانی کردن	سی و دوم	۱	۱
۱۳	در خدمت کردن پادشاه	سی و هفتم	۱	-
۱۴	در آداب ندیمی پادشاه	سی و هشتم	۱	-
۱۵	در آیین دبیری و شرط کاتب	سی و نهم	۴	-
۱۶	در آیین و شرط وزارت	چهلیم	۳	-
۱۷	در آیین و شرط پادشاهی	چهل و دوم	۲	-
۱۸	در آیین جوانمردپیشگی	چهل و چهارم	-	۲
۱۹	جمع	-	۱۸	۱۸

میراث به از پیشه نیست. هرچند پیشه، نه کار کودکان محتشمان است، هنر دیگر است و پیشه دیگر. از روی حقیقت نزدیک من پیشه، بزرگ‌ترین هنر است و اگر فرزندان مردمان خاصه، صد پیشه دانند، چون به کسب نکنند، همه هنر است و هنر، یک روز به برآید.^۷

عنصرالمعالی کیکاووس - امیر زیاری - در این مورد، تحت تأثیر اندیشه «آرمان‌شاهی» و «فیلسوف‌شاهی» است. برابر این اندیشه، شاه باید همه دانش‌های زمانه‌اش را کسب کرده باشد و آن‌ها را تا حد آموزاندن بداند و یا آن که شاه، از میان دانشمندان، برگزیده شود. تداوم این اندیشه در شکل گسترده‌اش، امروزه به نام «شایسته‌سالاری» مطرح است.

زمینه عینی حرکت شاه زیاری در تألیف قابوس‌نامه، وجود بحران‌های سیاسی و اجتماعی بوده که در آن روزگار وجود داشته و آن دشمنان خاندان زیار بودند که فعالیت‌های آن‌ها وضعیتی پیش آورده بود که بیم آن می‌رفت که شاهزاده گیلان شاه، به فرمانروایی نرسد. بنابراین، پادشاه بر آن شده بود تا راه و رسم زندگی و کارهای اجتماعی را به فرزندش بیاموزد.

به هر حال، قابوس‌نامه با ساختار ادبی و زبان و نثر ساده و روان و حکایت‌ها و داستانه‌ها - خواه جدی، خواه فکاهه - برای نوجوانان این روزگار هم قابل استفاده خواهد بود. ساختار واژگانی و معنایی متن، به گونه‌ای است که خواننده برای راه‌یابی به آن‌ها، کم‌تر به واژه‌نامه نیاز خواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها:

* منظور از حکایت‌های نامناسب برای کودکان و نوجوانان، حکایت‌هایی است که در حوزه تخاطبی بزرگسالان قرار دارند و موضوع و پیام آن، قابل فهم و استفاده‌ی کودکان و نوجوانان نیست.

۱ - منتخب قابوس‌نامه - عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار - به تصحیح غلامحسین یوسفی - بنگاه ترجمه و نشر کتاب / چاپ اول ۱۳۴۷ - صفحه ۳.

۲ - پیشین، صفحه ۴.

۳ - همان، صفحه ۴.

۴ - همان، صفحه ۴.

۵ - همان، صفحه ۱.

۶ - پیشین، باب ۴۴، صفحه ۲۶۹.

۷ - پیشین، صفحه‌های ۱۲۲-۱۲۳.